

شهرشگاه علم، انسانی و مطالعات
پژوهشی انبعاث سنتها چشم انداز ایران
دکتر حسن غفوری فرد پیرامون
پژوهشی انبعاث سنتها چشم انداز ایران

ظرفیت‌های جهانی شدن فرهنگ انبعاث

زهرا عبد

۴۴ سوره

شماره ۳۳ تابستان

کار فرهنگی، کاری بلندمدت است و زمان طولانی می‌طلبد. با یک ماه، دو ماه، یک سال یا حتی چند سال نمی‌توان مدعی شد که کار فرهنگی انجام داده‌ایم و نتیجه مطلوبی هم به دست آمده است

یعنی دستیابی به نتایج انقلاب فرهنگی نیازمند مرور زمان است و یک کار دائمی را می‌طلبد که تمام‌شدنی هم نیست. اکنون از ارتفاع قله‌هایی که باید به آن برسیم مشخص شده‌اند و مساله مهمی که می‌ماند کار و تلاش بسیار زیادی است که برای رسیدن به این قله باید صرف شود.

در سال‌های نخست انقلاب، ستاد انقلاب فرهنگی و پس از آن هم شورای عالی انقلاب فرهنگی تاسیس شد. حضرت امام (ره) اعتقاد داشتند که یک تحول اساسی باید در دیدگاه ما نسبت به علم، پژوهش و سیاست منطبق با فرهنگ اسلامی ایجاد شود. وظیفه اصلی شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز همین است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی، به تعبیر مقام معظم رهبری، یک شورای بی‌بدیل است و نظیری برای آن در نظام وجود ندارد. این شورا مسؤولیت پی‌گیری مسائل فرهنگی را بر عهده دارد و بیش‌تر تحولات فرهنگی کشور نیز نتیجه مصوبات این شورا است. شما نیز در شورای عالی انقلاب فرهنگی عضویت دارید؟

بنده عضو این شورا نیستم، ولی ریاست هیات نظارت و بازرسی شورای عالی انقلاب فرهنگی را بر عهده دارم.

در طول زمانی که ریاست هیات نظارت و بازرسی شورای عالی انقلاب فرهنگی را بر عهده داشته‌اید، به‌عنوان یک ناظر بر روند حرکت رو به جلوی اجرای مفاد سند چشم‌انداز بیست‌ساله، کار اجرایی و رشد این حرکت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همان‌طور که اشاره کردم، کار فرهنگی، کاری بلندمدت است و زمان طولانی می‌طلبد. با یک ماه، دو ماه، یک سال یا حتی چند سال نمی‌توان مدعی شد که کار فرهنگی انجام داده‌ایم و نتیجه مطلوبی هم به‌دست آمده است.

پیغمبر بزرگوار اسلام (ص)، سیزده سال اول بعثت را به کار فرهنگی پرداختند و در حقیقت، پایه‌های یک فرهنگ اسلامی را بنیان نهادند و بعد از آن بود که پس از هجرت، در مدینه به امور مملکت‌داری و سیاست پرداختند. نمی‌توان انتظار داشت در طول این دو مدت کوتاهی که از ابلاغ سند چشم‌انداز می‌گذرد، تحولات فراوانی اتفاق افتاده باشد.

یکی از کارهای مهمی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام می‌گیرد، ایجاد شاخص‌های فرهنگی است. هیاتی تحت عنوان هیات نظارت و ارزشیابی وجود دارد که شاخص‌های فرهنگی، پژوهشی و علمی را برای یک سال تعیین و مشخص و پس از آن، روند پیشرفت این تحولات را هر ساله بررسی می‌کند.

مثلاً در مسائل فرهنگی با توجه به شاخص‌های تعیین‌شده مشخص می‌کنند که چه تحولاتی ایجاد شده است. با تلاشی که صورت گرفته سعی شده است تا شاخص‌های فرهنگ عمومی در کتاب‌های درسی گنجانده شود. هم‌چنین تصمیم گرفتیم تا دانش‌آموزان را با فرهنگ و تاریخ اسلام و زندگی و اندیشه دانشمندان بزرگ ایرانی - اسلامی آشنا کنیم.

در تنظیم سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران به فرهنگ توجه ویژه‌ای شده است. آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند جریان رسیدن به شاخص‌های فرهنگی را که در سند چشم‌انداز عنوان شده، مدیریت کند؟

همان‌گونه که می‌دانید انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب فرهنگی است. مسؤولان نظام از امام‌خمینی (ره) و مقام معظم رهبری گرفته تا بسیاری دیگر که در راس مسائل انقلاب قرار داشته‌اند، همه دارای شخصیت‌های فرهنگی بودند که این از نکات قوت انقلاب به‌شمار می‌رود. بنابراین طبیعی است که سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران هم بر مبنای فرهنگ شکل بگیرد و ارکان اصلی مفاد آن فرهنگی باشد.

انقلاب‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی ممکن است خیلی زود به نتیجه برسند، خواه به نتیجه مثبت، و خواه به نتیجه منفی؛ ولی نتیجه کارهایی که در انقلاب فرهنگی انجام می‌شود در بلندمدت مشخص خواهد شد.

اگر کشوری هویت فرهنگی غنی داشته باشد به مثابه ظرف پری است که دیگر توان گنجایش چیز دیگری را ندارد؛ ولی اگر مثل یک ظرف خالی باشد مستعد آن است که فرهنگ وارداتی را از هر جنسی که باشد، بپذیرد

یکی از مشکلات بزرگ عصر کنونی، تهاجم فرهنگی است که به بی‌هویت شدن انسان‌ها می‌انجامد. غرب در تلاش است هویت فرهنگی انسان‌ها را نابود کند تا بتواند هویت‌های بی‌ارزش خود را به آن‌ها دیکته کند. اگر کشوری هویت فرهنگی غنی داشته باشد به مثابه ظرف پری است که دیگر توان گنجایش چیز دیگری را ندارد؛ ولی اگر مثل یک ظرف خالی باشد مستعد آن است که فرهنگ وارداتی را از هر جنسی که باشد، بپذیرد. اگر انسان‌ها به هویت و تاریخ خود آشنا شوند، فرهنگ غربی نمی‌تواند تأثیری روی آن‌ها داشته باشد.

در خصوص کاری که شورای عالی انقلاب فرهنگی از چهار سال گذشته انجام داده است و به‌مرور نتایج آن مشهود خواهد شد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

یکی این‌که دانش‌آموزان از همان اوان تحصیل و در سال‌های ابتدایی با تاریخ فرهنگی، تاریخ علمی و تاریخ بزرگان و دانشمندان سرزمین خود آشنا شوند.

دوم، ارتقاء فرهنگ اسلامی و فضایل اخلاقی مانند امانت‌داری، صداقت، وجدان کاری، تعاون، ایثار و فداکاری، ... در جامعه اسلامی می‌باشد.

برای تحقق این هدف، سیستمی هم در نظر گرفته شده است؟

کمیته‌ای به ریاست جناب آقای دکتر ولایتی تشکیل شده است که درحقیقت در حال بررسی تاریخ گذشته ایران، به خصوص پس از اسلام، است.

این پیشینه‌های فرهنگی و تاریخی به‌مرور در کتاب‌های دانش‌آموزان وارد خواهد شد. آشنایی مردم با فرهنگ غنی ایران و اسلام به‌طور حتم مجموعه‌های واردشده از فرهنگ غرب را بی‌اثر یا حداقل، کم‌اثر خواهد کرد.

کار هیات نظارت و بازرسی در پیشبرد اهداف فرهنگی نظام چیست؟

نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، مهم‌ترین کار این هیات است. یعنی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را که توسط ریاست‌جمهوری - بالاترین مقام شورای عالی انقلاب فرهنگی - ابلاغ می‌شود، پی‌گیری می‌کند تا در عمل به طور صحیح و کامل به اجرا درآیند.

گزارش‌های مرتبی هم از نحوه پیشرفت این مصوبات ارائه و پس از آن به وزارت‌خانه‌ها و نهادهای ذی‌ربط ابلاغ می‌شود. مثلاً مصوبه فرهنگ عفاف پس از نظارت و پی‌گیری به دستگاه‌های فرهنگی کشور نظیر وزارت ارشاد، صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت‌خانه‌های علوم، آموزش و پرورش و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ابلاغ می‌شود.

هیات نظارت و بازرسی وظیفه دارد نحوه و حسن اجرای این مصوبات را بررسی و طی گزارش‌هایی به شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام کند. این مهم‌ترین وظیفه این شورا است و برای این کار، هفته‌ای دو نوبت جلسه منظم در هیات برگزار می‌شود. اکثر اعضای این جلسه نیز معاونان وزارت‌خانه‌های فرهنگی کشور هستند که گزارش پیشرفت این مصوبات در وزارت مربوطه خود را ارائه می‌کنند.

هیات نظارت، گزارش‌ها را جمع‌بندی و نتیجه کار را به شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام می‌کند.

یکی دیگر از وظایف هیات نظارت و بازرسی، بررسی شرایط مدیران فرهنگی کشور است. چنان‌چه مدیری فرهنگی بخواد در یکی از دستگاه‌های کشور منصوب شود یا برای انتصاب در دانشگاه‌ها، فرهنگستان‌ها، عهده‌داری کرسی‌های نظریه‌پردازی یا در قسمت‌های مختلف فرهنگی و شورهایی که وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی هستند برگزیده شوند، بررسی دقیقی از سوابق علمی، فرهنگی و اجرایی او توسط هیات نظارت صورت می‌گیرد و

نتیجه آن به شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام می‌شود. در این بررسی بیش از همه، روسای دانشگاه‌ها، به‌خاطر حساسیت منصب و جایگاه‌شان، مشمول این نظارت قرار می‌گیرند. معمولاً چنان‌چه وزیر علوم، تحقیقات و فناوری یا وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بخواهد رئیس جدیدی را برای دانشگاه‌های تابع در نظر بگیرد، آن شخص را به شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی می‌کند؛ شورا یک نسخه از آن درخواست را به هیات نظارت ارسال می‌کند و هیات نظارت نیز سوابق علمی، فرهنگی و مدیریتی او را مورد بررسی قرار می‌دهد و نتیجه را به شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام می‌دارد. درحقیقت، هیات نظارت، بازوی نظارتی و چشم مستقل شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

به غیر از روسای دانشگاه‌ها، مدیران فرهنگی نیز مشمول این نظارت خواهند بود. آئین‌نامه جدیدی نیز در دست تدوین است که بر اساس مفاد آن، مراحل یادشده را به‌صورت گسترده‌تر بررسی می‌کند.

به نظر می‌رسد که تا سال ۱۴۰۴، یعنی تا اتمام مدت‌زمان سند چشم‌انداز، هیات نظارت و بازرسی، نظارتی تنگاتنگ و همه‌جانبه بر روی عمل‌کرد مدیران فرهنگی کشور دارد.

مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت کار هیات نظارت بارها تأکید کرده‌اند. در سال‌های قبل اتفاق افتاده بود که ابلاغی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تا مدت‌ها به دست مخاطب نمی‌رسید. مثلاً مصوبه‌ای از شورا خطاب به دانشگاه تنظیم شده بود که به فعالیت‌های دانشجویان در دانشگاه‌ها مربوط می‌شد. طبیعی است باید نسخه‌ای از این مصوبه به وزیر علوم و نسخه‌ای دیگر به وزیر بهداشت ارسال می‌شد، تا آنان نیز مصوبه مذکور را به دانشگاه‌های تحت پوشش خود ابلاغ کنند. وقتی ما از دانشجویان در خصوص این مصوبه جویا شدیم، فهمیدیم که اصلاً چنین مصوبه‌ای به دانشگاه‌های کشور ابلاغ نشده است. بنابراین لزوم پی‌گیری ابلاغ و ارسال مصوبات به افراد ذی‌صلاح و در نهایت پی‌گیری چگونگی اجرای آن از کارهای مهم این هیات است.

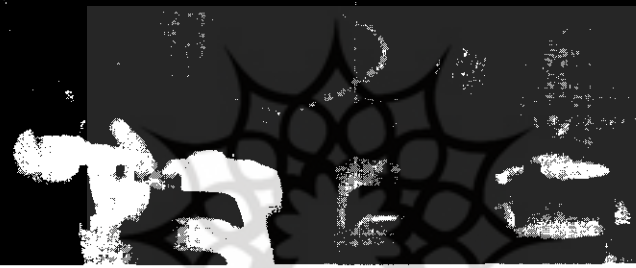
یکی از نیازهای بزرگ سیستم آموزشی ما که هنوز هم به‌طور کامل اجرا و عملی نشده، ترغیب دانش‌آموزان و دانشجویان به کارهای تحقیقاتی و پژوهشی است. این یک کار زیرساختی است که می‌تواند در درازمدت به تحقق اهداف سند چشم‌انداز منجر شود.

فرهنگ در معنای لغوی دارای یک معنای عام است. نظر شما در این خصوص چیست؟

برای فرهنگ، معانی مختلفی مطرح شده است که بعضی تعداد این معانی را بیش از چهارصد مورد گفته‌اند. اصولاً هر مقوله‌ای را می‌توان از دیدگاه فرهنگی بررسی کرد. در بحث ما، فرهنگ معنای خاص‌تری را شامل می‌شود. در دستگاه‌های آموزشی هم معاونت فرهنگی وجود دارد. یعنی به فرهنگ در معنای خاص‌تری توجه شده است.

ما در سیستم آموزشی، موفق عمل کرده‌ایم. زیرا اگر دانش‌آموزان دبیرستانی ما بخواهند در دانشگاه‌های خارج از کشور به تحصیل بپردازند، از هم کلاسی‌های خود به لحاظ علمی جلو ترند. در زمینه فرهنگی نیز باید آن‌ها را ارتقا دهیم. اگر بتوانیم آموزش را با پژوهش توأم کنیم و دانش‌آموزان را از همان ابتدا به پژوهش تشویق کنیم، به جایگاه مناسبی خواهیم رسید. تهاجم فرهنگی در ایران موثر واقع نشده و فرهنگ کنونی ایران تمایل به غرب نداشته است. چرا؟ چون فرهنگ ما از غنای بسیار بالایی برخوردار است و این فرهنگ از این لحاظ با فرهنگ دیگر ملل غربی قابل قیاس نیست.

پس شما هم معتقدید که نظام آموزشی مبتنی بر تحلیل نیست و بیش‌تر بر گسترش دایره حفظیات دانش‌آموزان تأکید می‌شود. آیا شیوه مناسب‌تری برای تغییر این الگو



پیش‌بینی شده است تا از موانع رسیدن به اهداف عنوان شده در سند چشم‌انداز کاسته شود؟

بخشی از فرهنگ، اخلاق عمومی است. آموزش هم بخشی از فرهنگ است، ولی عکس این نکته صحیح نیست. در سیستم آموزشی، همان‌گونه که شما هم گفتید، اهمیت بر محفوظات است. فکر نوجوانان و دانش‌آموزان، از محفوظات انباشته شده است. یکی از دلایل آن نیز کنکور است. زیرا فقط با حفظیات می‌توان از آن سد گذشت. کسانی که در کنکور موفق هستند در تست‌زنی مهارت پیدا کرده‌اند و این با بررسی و تحلیل مسایل و موارد امتحانی مغایرت دارد. خوش‌بختانه این اشکال در حال برطرف شدن است. با افزایش ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها تا حدودی این مشکل رفع شده است.

در سال ۱۳۵۷ حدود صد و پنجاه هزار نفر دانشجو مشغول فراگیری علم بودند، ولی اکنون بیش از سه میلیون نفر دانشجو به فراگیری علم اشتغال دارند. در اواخر برنامه پنجم توسعه، این رقم به پنج میلیون نفر خواهد رسید. پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۳۹۲، دانشگاه‌های ما ظرفیت پذیرش هر آن که طالب تحصیلات دانشگاهی است را داشته باشد. البته دانشگاه‌های معتبری مثل صنعتی شریف، دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه شهیدبهبشتی و نظیر آن‌ها برای تحصیلات دانشگاهی، گزینش‌های خاص خودشان را دارند. در تمام کشورهای دنیا هم موسسات آموزشی معتبر چنین روشی را دنبال و اعمال می‌کنند.

پس این سیستم، قابلیت ارتقا و بهینه‌سازی کیفیت را دارد. آیا وضعیت دانشجویان در دوران تحصیل می‌تواند به نوعی در بهبود سیستم آموزشی و علاقه‌مندی به پژوهش در دانشگاه‌ها موثر واقع شود؟

بله، سیستم آموزشی، قابلیت ارتقاء یافتن را دارد. یک بخش آن این است که امکانات آموزشی، پژوهشی و رفاهی باید افزایش

پیدا کند. دانشجو در هنگام ورود به دانشگاه نباید دغدغه خوابگاه و تهیه کتب آموزشی و نظایر آن را احساس کند. امکانات رفاهی، پژوهشی و آموزشی دانشگاه‌ها باید متناسب باشد. ظرفیت پذیرش دانشگاه‌های ما از قبل از انقلاب تاکنون بیست برابر شده است، در حالی که امکانات آموزشی، پژوهشی و رفاهی دانشگاه بیست برابر نشده است. رسیدن به این استانداردها به کار پیوسته و برنامه‌ریزی بلندمدت نیاز دارد. هنوز دانشجویان ما به اینترنت دسترسی کامل ندارند و از این منبع اطلاعاتی بعضاً محرومند.

ولی بحث عمده‌ای که تاثیر فراوانی بر کیفیت آموزشی و فرهنگی ما دارد، تامین آینده شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌هاست. اصطلاحی است که می‌گوید: «دست شکسته به کار می‌رود، ولی دل شکسته به کار نمی‌رود.»

اگر دانشجو مطمئن نباشد که بعد از تحصیل به شغل مناسبی خواهد رسید، انگیزه‌ای برای ادامه تحصیل و بعد از آن برای کار ندارد. در دنیای متحول امروزی که رقابت جهانی در آن، بالاترین میزان ممکن است، نمی‌توان بدون انگیزه و اعتماد سربلند بیرون آمد. رفع این مسائل، تمهیدات ویژه‌ای را طلبد. بنابراین بحث ما از گستره وسیع‌تری به نام آموزش اجتماعی برخوردار می‌شود.

آموزش اجتماعی، فرهنگ‌ساز است و می‌تواند آسیب‌زدایی کند. در اجرای سند چشم‌انداز چه تمهیداتی برای رفع آسیب‌های اجتماعی پیش‌بینی شده است؟

دین اسلام یک دین جهانی است. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هم در یکی از خطبه‌های نماز جمعه به این نکته اشاره کردند: «در مورد ادیان قبلی بحث این‌گونه مطرح شده است که آیا مسیحیت برای تمام جهان است یا فقط برای مسیحیان؟ یا یهودیت برای یهودیان است یا برای تمام جهانیان؟ ولی در مورد دین اسلام چنین تعارض و شکی وجود ندارد. چون از همان ابتدا مشخص بود اسلام یک دین جهانی است و داعیه آن در مکه یک داعیه جهانی بود.»

در ورزش باستانی، احترام به همه معصومین (ع) بیش‌کسوتان بزرگ‌ترها و سادات موج می‌زند. ولی در فوتبال که ورزشی وارداتی بوده است، هتاک‌ی و بی‌احترامی دیده می‌شود. فحاشی و بی‌احترامی موج می‌زند

در خصوص انقلاب اسلامی هم امام خمینی(ره) از همان ابتدا فرمودند: «ما انقلاب مان را به همه جهان صادر خواهیم کرد.» منظور صادر کردن اسلحه نیست، بلکه صادر کردن فرهنگ غنی ایرانی و اسلامی است. صحبت امام این بود که: «مستضعفان در سراسر دنیا به انقلاب اسلامی گرایش پیدا کرده‌اند، اگر مستکبران بگذارند صدای ما به آن‌ها برسد.» هم اسلام و هم انقلاب اسلامی داعیه جهان‌شمولی دارد. امروز نظاره‌گر دنیای پیچیده‌ای هستیم. هیچ وقت دنیا نسبت به یک انقلاب، این قدر عکس‌العمل منفی نداشته است. یعنی همه دنیا- مقصود کشورهای سلطه‌گر و مستبد- علیه ایران بسیج شده‌اند و موضع مخالف گرفته‌اند. موضوع هسته‌ای، یک نمونه بسیار مهم و گویاست. پیش از انقلاب، همین کشورهایی که الان مخالف وضعیت هسته‌ای ما هستند، از سر و کول ما بالا می‌رفتند تا بتوانند رضایت ما را برای ساخت تاسیسات هسته‌ای در ایران جلب کنند. از طرفی هم کشورهای آمریکا، انگلیس و فرانسه، با هم رقابت می‌کردند تا احداث نیروگاه‌های سوخت هسته‌ای در ایران را تحت انحصار خود در آورند.

طبق قرار و مدارها بنا بر این گذاشته شده بود که ۲۲ هزار مگاوات برق از طریق نیروگاه‌های اتمی تولید کنیم. همین دولت فرانسه که اکنون مخالف صد درصد تولید سوخت هسته‌ای توسط ایران است، پیشنهاد شراکت ما در کارخانه غنی‌سازی فرانسه را مطرح کرد و ایران هم با رقمی معادل یک میلیارد دلار در آن کارخانه سهیم شد. ولی پس از انقلاب همه زمینه‌ها، پیشنهادها و موافقت‌ها برعکس شد و همه زیر توافقات خود زدند. چرا؟

چون به قدرت انقلاب اسلامی پی بردند. این ایدئولوژی، اندیشه و مکتب، ظرفیت جهانی شدن را دارد. برای همین است که مواضع شدیدی علیه ما گرفته‌اند. در عراق، پیش از آن که انقلاب اسلامی ایران به نقطه اوج خود برسد، صدام با کمک و راهنمایی آمریکا، آیت‌الله محمدباقر صدر را به شهادت رساند، چون نمی‌خواستند قضیه ایران تکرار شود و یک شخصیت روحانی و مذهبی از گوشه دیگری غم استقلال و آزادی بردارد. دنیای غرب برای مواجه شدن با اسلام، شمشیرش را از رو بسته است.

دشمنان انقلاب و اسلام شاید هیچ وقت در ذهن خود تصور نمی‌کرد که انقلاب اسلامی ایران به چنین رشد و بالندگی و پویایی شگفت‌انگیزی برسد. وقتی بنی‌صدر از کشور گریخت گفت: «تا شش ماه دیگر، مردم ایران از گرسنگی از پای در خواهند آمد و انقلاب شکست خواهد خورد!» منافقین می‌گفتند: «ما چند وقت دیگر برمی‌گردیم.» اول مسأله فروپاشی و نابودی انقلاب مطرح بود، الان نه اپوزیسیون داخلی و خارجی و نه نیروهای معاند نظام جرات تعدی به آرمان‌های انقلاب را ندارند؛ دشمنان قسم خورده هم در این فکراند که از گسترش انقلاب جلوگیری کنند؛ شرایط فعلی با روزگار اول انقلاب فرق دارد. درست است که شرایط خیلی سخت‌تر و پیچیده‌تر شده است و تهدیدهای بیش‌تری هم اعمال می‌شود، ولی فرصت‌ها نیز بیش‌تر شده است. دیگر کسی از فروپاشی صحبت نمی‌کند. انقلاب اسلامی به‌طور کامل مستقر شده است. اکنون دشمنان قسم‌خورده تنها امید به استحاله بسته‌اند.

می‌توانید مثالی مشهود از این فرصت‌ها ارائه کنید؟

به یاد بیاورید که در سال‌های اول انقلاب، مدیر کارآمد نداشتیم، ولی اکنون توانسته‌ایم مدیران لایق و متعهد بسیاری را پرورش بدهیم. علم اقتصاد آموخته‌ایم، صنایع‌مان را بازسازی و تجهیز کرده‌ایم و قدرت نظامی خود را افزایش داده‌ایم. در ابتدای جنگ، دنبال اسلحهٔ برنو و ام- یک بودیم، اما امروز دنیا نگران این است که ایرانیان موشک‌های با برد ۲۰۰۰ کیلومتر یا حتی بیش‌تر در اختیار دارند. در علوم هسته‌ای و نانو تکنولوژی، جزء ده کشور

برتر دنیا هستیم و به عضویت باشگاه هسته‌ای جهانی درآمدیم. این‌ها افتخارات کمی نیستند. پس فرصت‌های ما زیاد شده است، همان‌طور که تهدیدها هم زیاد شده است. معادلات جهانی تغییر یافته است، هم دنیا با اسلام آشنا شده است و هم در گوشه و کنار جهان، آنان که به اسلام گرایش پیدا کرده‌اند، منشأ تحولات بسیاری شده‌اند.

اینک موضوع آموزش‌های اجتماعی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. همان‌گونه که مستحضرد «شورای فرهنگ عمومی» یکی از شوراهای اقماری و مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی محسوب می‌شود.

کار این شورا چیست؟

در طول دو سه ماه، مسائلی در خصوص فرهنگ عمومی، نظیر رانندگی، ارتباطات، ورزش و نظایر آن را به بحث می‌گذاریم. واضح است که صنعت، بخشی از فرهنگ ما را از بین برده است. اگر چه اخلاق فردی‌مان تا حد بسیار زیادی سالم باقی مانده است، اما در اخلاق عمومی، اجتماعی و صنعتی نیاز به کار فراوان است تا اثرات تهاجم فرهنگی خنثی گردد. ما صنعت را از خارج وارد کرده‌ایم ولی اخلاقی مبتنی بر آن را رایج نکرده‌ایم. در بحث ارتباطات، موبایل کارکرد خاصی دارد. در غرب حتماً کاربرد دقیقی از آن به عمل می‌آید، ولی چون ما این تکنولوژی را بدون این که به فرهنگ مرتبط با آن توجه کنیم، وارد کرده‌ایم، با معضلات و مشکلات فراوانی هم مواجه شدیم. متوسط صحبت با تلفن همراه در اروپا ۵۰ ثانیه و برای ایرانیان ۵ دقیقه است. آن‌ها می‌دانند تلفن همراه برای ارسال پیام‌های فوری و کوتاه است، در صورتی که ما هنوز به فرهنگ و نوع کاربرد این ابزار نرسیده‌ایم. این‌ها زمینه‌های بکر برای کار اخلاقی است.

غربی‌ها در یک پروسهٔ زمانی، نیازهای‌شان را تشخیص دادند. آن‌ها می‌دانستند به وسیله‌ای مانند موبایل احتیاج دارند. پس دانشمندان‌شان به سمت طراحی و تولید آن سوق پیدا کردند. ولی ما موبایل را مستقیم از غرب وارد کرده‌ایم؛ بدون این که مقدمات استفاده از آن را فراهم کنیم. فقط می‌خواستیم در اختیارمان باشد. در ورزش هم به همین بلا مبتلا شده‌ایم. در ورزش باستانی، احترام به ائمه معصومین(ع)، پیش‌کسوتان، بزرگ‌ترها و سادات موج می‌زند. ولی در فوتبال که ورزشی وارداتی بوده است، هنای بی‌احترامی دیده می‌شود. فحاشی و بی‌احترامی موج می‌زند. با جوان‌مردی که اصل ورزش سنتی ماست، بسیار فاصله دارد. در فوتبال تواضع و فروتنی به‌ندرت دیده می‌شود. اگر هم هست خیلی کم است. فوتبال چون انگلیسی است در ذات خود روحیه پرخاش‌گری را در بازیکنان و هوادارانش برمی‌انگیزد.

زمانی که من رئیس سازمان تربیت بدنی و ورزش بودم، خدمت مقام معظم رهبری رسیدم. ایشان فرمودند: «ورزش‌های بومی و ملی ما نشأت گرفته از فرهنگ ماست. این ورزش‌ها را به جهانیان معرفی کنید. با این ورزش‌ها آن‌ها می‌فهمند که ما چگونه افرادی هستیم و چه فرهنگی داریم. همین‌ها است که ایرانیان را شاداب و باظراوت نگه داشته است.»

همین فرهنگ بود که انقلاب ما را به پیروزی رساند. ما در طول جنگ، فرهنگ ایثار، شهادت، نوع‌دوستی و گذشت را شاهد بوده‌ایم. این فرهنگ‌ها در ورزش‌های وارداتی وجود ندارند؛ از طرفی نمی‌توانیم کشوری منزوی باشیم و از ورزش غرب به دور زندگی کنیم. پس باید فرهنگ‌سازی را در کشور خودمان تقویت کنیم. باید سرعت عمل را بالا ببریم تا از قافله جهانی عقب نمانیم.

در کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی که شما هم عضوی از آن هستید چه فعالیت‌هایی برای نیل به اهداف مندرج در سند چشم‌انداز بیست‌ساله صورت گرفته است؟
در آن جا من عرض کردم که آیا یک عزم واقعی و ملی برای

ریشه‌کن کردن این مشکلات وجود دارد یا خیر؟ و اعتقاد من این است که متأسفانه هنوز عزم ملی لازم برای رفع معضلات فرهنگی و اجتماعی ما ایجاد نشده است. معضل رشوه در جامعه ما کاملاً مشهود و غیر قابل انکار است. فقر، تبعیض و فساد از جمله مواردی است که مقام معظم رهبری نیز بر رفع آن تأکید دارند. تبعیض، بنیان هر حکومتی را نابود خواهد کرد. تا انسان‌ها مطمئن نباشند که دولت‌های‌شان از حقوق قانونی آن‌ها قاطعانه و در همه حال دفاع خواهند کرد و تبعیضی وجود ندارد، انگیزه‌ای هم برای کار درست پیدا نخواهند کرد. پس به نظر من، همه از وجود مشکلات باخبرند. شاید در اندازه، عمق، و دامنه آن‌ها بحث باشد، ولی در اصل آن توافق وجود دارد.

هر سال به مناسبت نام‌گذاری سال‌ها توسط مقام معظم رهبری، بنده نیز پیشنهادهای ارائه می‌کردم. مثلاً در سالی که به نام حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) نام‌گذاری شد، پیشنهاد کردم که یکی از سنت‌های آن امام همام احیا شود؛ یا در سال پیامبر اعظم (ص) گفتم می‌توانید ۵۲ سنت پیامبر گرامی اسلام را در طول ۵۲ هفته سال احیا کنید. مثلاً پیش قدم‌شدن حضرت محمد(ص) در سلام کردن را الگو قرار بدهیم و سعی کنیم در طول یک هفته در سلام کردن از هم پیشی بگیریم. همین حرکت باعث افزایش محبت در سطح جامعه می‌شود.

از پیشنهادات شما استقبالی هم شد؟

گفتند مشغول برنامه‌ریزی هستیم که در نهایت هم عملی نشد. مردمی که با خداوند ارتباط معنوی دارند و از طریق نمازهای یومیه با او حرف می‌زنند، نباید این‌قدر عصبانی باشند و زود از کوره در بروند. در خصوص سایر مشکلات فرهنگی اجتماعی نیز همین دشواری‌ها دیده می‌شود. رعایت قوانین، جزء اصول است به شرطی که همه خود را ملزم به اجرای آن بدانند. اگر تبعیضی در جامعه و قوانین آن حاکم بشود دیگر انتظاری به اجرای صحیح قانون وجود نخواهد داشت.

در دوره‌ای شما معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان تربیت بدنی بودید. در آن زمان، به فرهنگ‌سازی در میادین ورزشی پرداختید که نمونه‌هایی از آن‌ها را در مسابقات مختلف مشاهده می‌کردیم. آیا نتایج آن اقدامات را در زمان کنونی هم می‌توان دید؟

من در اواسط سال ۱۳۶۸ رئیس سازمان تربیت بدنی شدم و راه‌کار عملی‌ام آن بود که همان موقع سال ۱۳۶۹ را به‌عنوان سال فرهنگ اسلامی در ورزش نام‌گذاری کردم و تلاش کردم فضاهای ورزشی را تبدیل به فضاهای اسلامی کنم به‌طوری که ورزش‌کاران بیش‌تر با اخلاق اسلامی آشنا شوند. فرهنگ‌سازی در ورزش‌گاه‌ها آغاز شد. برنامه‌های شاد مذهبی، مولودی‌خوانی و سرود در بین دو نیمه فوتبال پخش می‌شد و حتی نماز جماعت در بین دو نیمه اگر وقت اذان می‌رسید اقامه می‌کردیم.

کسانی که بعدها آمدند، به ادامه این برنامه‌ها روی خوش نشان ندادند. و استفاده از فرهنگ غنی اسلامی در بوته فراموشی قرار گرفت. آیت‌الله مطهری کتابی تحت عنوان خدمات متقابل اسلام و ایران دارند که تبادلات فرهنگی بین ایران و اسلام را از سال‌های صدر اسلام عنوان کرده‌اند. ما فرهنگ ایرانی هم داریم. ما در بستر بیش از پنج هزار سال قرار داریم، پس مدیران فرهنگی باید به فرهنگ و تمدن سرزمین مادری خود هم اشراف کامل داشته باشند.

آیا تخصص و شهرت به معنای تمام و کمال در ورزش می‌تواند راهی باشد تا الگوی فرهنگی مناسبی برای جامعه تلقی شود؟

الان روی کردی مطرح است که شخص به صرف داشتن مدرک دکتری آیا شرایط حضور در دانشگاه یا تدریس را دارد یا خیر؟



مکاتب علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله جامع علوم انسانی

یعنی باید بینیم ظرفیت تعامل و ارتباط با جوانان از او ساخته است یا نه؟ آئین‌نامه جدیدی به تصویب رسیده است که برای استخدام و حتی ارتقاء شرایط تازه‌ای تعریف شده است. ورزش اثرگذارترین پدیده اجتماعی است. من دکترای فیزیک هسته‌ای دارم. اگر یک مقاله علمی بنویسم، در نهایت، هزار نفر آن را می‌خوانند؛ ولی وقتی یک ورزش‌کار درجه‌سوم نامش در یک هفته‌نامه درج شود، کلی مشهور می‌شود. هیچ پدیده سیاسی، فرهنگی و علمی مثل ورزش بازتاب ندارد. اگر از این دیدگاه به ورزش نگاه کنیم، آن وقت برای مدیریت آن هم با دقت و مراقبت فرد مورد نظر را انتخاب خواهیم کرد. ■